



۲۰۱۸/۱۰/۲۰



روزبنا خطیبی

جای خالی زنان در شعارهای بانوان نامزد در کابل

قرار است انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌های افغانستان، به تاریخ ۲۸ میزان ۱۳۹۷ شمسی برگزار گردد. تأخیر چهار ساله در برگزاری انتخابات پارلمانی، سر و صداهای زیادی را به همراه داشت، اما حکومت پس از گذشت سه و نیم سال از پایان دوره کاری اعضای ولسی جرگه، اوایل امسال برای برگزاری انتخابات پارلمانی اعلام آمادگی کرد. در ماده هشتاد و سوم قانون اساسی افغانستان در مورد برگزاری انتخابات پارلمانی چنین آمده است: «دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می‌رسد و شورای جدید به کار آغاز می‌نماید. انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دوره ولسی جرگه برگزار می‌گردد. تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حد اکثر دو صد و پنجاه نفر می‌باشد.»

با این حال، قرار است انتخابات شورای ولسوالی‌ها نیز همزمان با انتخابات پارلمانی برگزار نگردد. پس از نزدیک به شانزده سال از تصویب قانون اساسی که در آن از انتخابی بودن اعضای شورای ولسوالی‌ها تذکر رفته است، قرار بود برای نخستین بار انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها برگزار گردد. اما به نظر می‌رسد که انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها تحت سایه سختی برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان قرار گرفته و احتمالاً یکجا با انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود.

در انتخابات پارلمانی پیش رو بیش از ۲۵۰۰ تن بر سر ۲۵۰ کرسی در ولسی جرگه در سراسر افغانستان رقابت می‌کنند. از این میان، ۸۰۴ تن از کابل نامزد اند که ۱۱۹ تن آنها را زنان تشکیل می‌دهند. تعدادی از زنان نامزد در انتخابات این دور، وکیلان بر حال مجلس می‌باشند.

نگاهی به شعارهای نامزدان زن در انتخابات ولسی جرگه نامزدان زن در کابل، با شعارهای متفاوتی وارد کارزارهای انتخاباتی شده‌اند. در این جا شعارهای اصلی شماری از نامزدان زن در انتخابات مجلس نمایندگان ذکر می‌گردد:

سیمین حسن‌زاده: «به سوی قرآن، قانون و قلم».

مریم سما: «به سوی آینده ای نیک، فراتر می‌رویم».

هیلی ارشاد: «رأی مردم را با خدمت تبادل می‌کنیم، نه با معامله».

حواعلم نورستانی: «این، کرسی قدرت نه، بلکه از مردم است».

ویدا ساغری: «نماینده خواهم بود، نه رباینده».

خاطره اسحقزی: «باور به نسل جوان، باور به آینده»
زینب مؤحد: «این کرسی جایگاه زنان مسلمان است».
انیسه ترک: «در خدمت معارف بوده و می باشیم».
مسعوده جلال: «رأی به داکتر مسعوده جلال رأی به خدمت گذاری واقعی، تأمین عدالت اجتماعی، دفاع از حقوق شهروندی و ارزش های انسانی».
سهیلا سحر: «صدای ما خاموش شدنی نیست».
روبینا جلالی: «بیایید مالک این سرزمین همه را بدانیم».
پریزا رحمانی: «با شما آینده را رقم می زنیم».
صالحه سعادت: «شهروندی، مسولیت و قانون گرایی».
رقیه عالمی بلخی: «قانون اسلامی- نظارت عمومی».
راحله جعفری: «همنوایم باشید تا بایستم و صدای تان باشم».
سلیمه نیک بین: «تعهد من؛ قانون گذاری کارا».
شینکی کروخیل: «تعهد و عمل».
جنرال نظیفه ذکی: «دفاع از حقوق نظامیان کشور خط سرخ من است».
معصومه توسلی: «ما برای تغییر آمده ایم».
فروزان خلیل یار: «دموکراسی، قانونیت و عدالت اجتماعی».
قدسیه الکوزی: «از میان مردم، همگام با مردم، در خدمت مردم».
سمیرا لامع: «صدای من برای پیشرفت زنان، جوانان، معلمین، کارگران و دهاقین افغانستان خواهد بود».
فاطمه نظری: «خدمت صادقانه، عاری از شعار».
تمنا زریاب پریانی: «پیروزی من پیروزی نسل جوان».
نوریه منصف: «منصفانه حرف می زنم، صادقانه کار می کنم».
داکترهما زینت: «شعار بس است، عمل باید کرد».
کلثوم خروتی: «پاسدار ارزش های اسلامی و منافع ملی».
فرح دیبا شهرزاد: «صدای من، صدای نسل امروز و فردا است».
ترنم سیدی: «حمایت از نسل جوان، حمایت از فردای بهتر».
حسینه سهاک: «سوله، امنیت، تعلیم».
تحلیل کلی از شعارهای انتخاباتی
با توجه به شعارهای بیش تر نامزدان انتخابات ولسی جرگه از حوزه کابل که در بالا ذکر گردید، می توان شعارهای اینان را به سه بخش کلی تقسیم کرد:
۱- شعارهای خیالی: آن عده از نامزدانی که شعار شان بالا تر از مسولیت یک وکیل است، به این نوع شعار را می توان شعار خیالی گفت، که نه در توان یک وکیل است و نه هم وظیفه یک وکیل در پارلمان. چنانکه قانون اساسی افغانستان وظایف و صلاحیت های یک وکیل را در فصل پنجم به صورت مکمل شرح داده است، اما این نامزدان فراتر از وظایف یک وکیل شعار داده اند.

۲- شعارهای سطحی و بی محتوا: این چنین شعارها، نه محتوا داشته و نه هم هدف خاصی را دنبال می‌کنند. این دسته شعارها به شکلی نگاشته شده اند که هم از لحاظ شکلی و هم از لحاظ محتوایی، مشکل دارند.

۳- شعارهای کلی: یک تعداد از نامزدان شعارهای بسیار کلی داشتند، که موضوعات را بهم خلط کرده اند و نمی توان هدف شعار دهنده را از آن شعار فهمید. این چنین شعارها بیشتر از هر شعار دیگری در کابل به چشم می خورد که از سوی نامزدان زن و مرد گفته شده‌اند.

۴- شعارهای منطقی و مطابق با صلاحیت های ولسی جرگه: شعار شمار کمی از نامزدان، با اصول و وظایف داخلی و صلاحیت‌های ولسی جرگه مطابقت دارد. کم ترین شعارها، از همین دسته است.

متأسفانه آن چه در شعار نامزدان زن جایش خالی می‌نماید، «زنان» است. زنان حتا در میان شعار های زنان نامزد در مجلس نیز جای ندارند. با وجود این که یک تعداد از نامزدان زن در این دور انتخابات، چهره‌های فعال حقوق زن هستند و می‌خواهند با این شناخت رأی کسب کنند، اما هیچ یک از آن ها برای زنان جایی در شعارهای خود ندارند. این در حالی است که زنان در افغانستان در قوانین و در اجتماع با تبعیض‌های گوناگونی مواجه اند و هنوز هم بیشتر زنان در افغانستان حتا از حقوق اساسی شان نیز محروم اند. به نظر می رسد که زنان در شعارها و کمپاین‌های فعالان حقوق زنان که نامزد مجلس‌اند، نیز به فراموشی سپرده شده اند. چرا زنان به زنان توجه نمی‌کنند؟

چنانکه مشاهده شد زنان نامزد در انتخابات ولسی جرگه در شعارهای و تبلیغات خود به زنان و به وضعیت آنها توجه نکرده‌اند. زنان محکوم و محروم از هر نوع حقوق، در این شعارها جای ندارند. عوامل زیادی باعث شده که حتا مدعیان حقوق زنان، به زنان توجه نکنند و زنان از دید زنان نیز به دور بمانند. یکی از دلایل مهم، حضور کم رنگتر زنان نسبت به مردان در پروسه رأی دهی پنداشته می‌شود. زنان در بیش تر پروسه های کلان ملی سهم کم رنگتر از مردان دارند. شماری از زنان علاقه مند نیستند در این گونه پروسه ها اشتراک کنند و یا هم به اثرگذاری این روند بر زندگی خود آگاهی ندارند و یا از اشتراک در این پروسه‌ها باز داشته می شوند.

طوری که دیده می شود زنان از دید بیش تر فعالان حقوق زن و نامزدان نیز قشر ضعیفی پنداشته می‌شوند، نامزدان نیز به این ضعف باور دارند و به همین دلیل برای رسیدن به قدرت، شعارهایی سر می دهند که توجه مردان را جلب کند و رأی آنها را به دست آورند. متأسفانه بیش تر زنان در افغانستان بدون اجازه مردان خانواده حق رأی ندارند و اگر رأی هم بدهند به فرد قابل قبول مردان خانواده خود رأی خواهند داد.

چنانکه این مسأله را در انتخابات گذشته نیز شاهد بودیم. در افغانستان دیده می شود که بیشتر زنان به هم بی باور اند؛ زنان نامزد در پروسه های ملی و در سطوح رهبری از یک طرف و زنان رأی دهنده از سوی دیگر به هم باور ندارند. زنانی که در سطوح بلند کار می کنند به زنان عموم این باور را نداده اند که به عنوان یک همجنس از حقوق‌شان دفاع می‌کنند. متأسفانه در سال‌های اخیر در افغانستان، همواره به نام زنان، پول‌های گزافی از سوی زنان به ظاهر فعالان حقوق زن، به هدر رفته و از این نام استفاده بد شده است. به نظر میرسد که بیشتر زنان رأی دهنده به یک کاندیدای مرد باورمندتر اند، تا به یک کاندیدای زن. از آن جایی که زنان همواره تحت تسلط مردان بودند و با دید مردانه به قضایا می‌نگرند، گاهی ناخواسته در کنار مردان، برای حذف زنان تلاش می‌کنند. در جامعه افغانستان، بی‌هدفی، یکی دیگر از دلایلی است که زنان را از زنان دور ساخته است. تعدادی از افراد

مدافع حقوق زنان فقط در پی رسیدن به قدرت، جاه و مال هستند و هیچ هدف مهمی را دنبال نمی‌کنند. آن‌ها به این مسأله اکتفا کردند که از بیشتر زنان بهتر به نظر برسند و دارای مقام و منصبی باشند.

پایان

